

احكام و تعاليم فردى - اشتغال به صنعت و اقتراف كه از واجبات است و نفس عبادت محسوب

حضرت بهاء الله



اشتغال به صنعت و اقتراف كه از واجبات است

و نفس عبادت محسوب

حضرت بهاء الله:

1 - " يا أهل البهَاء قد وجب على كل واحد منكم الاشتغال بأمر من الأمور من الصنائع والاقتراف وأمثالها وجعلنا اشتغالكم بها نفس العبادة لله الحق تفكروا يا قوم في رحمة الله وألطافه ثم اشكروه في العشي والإشراق لا تضيّعوا أوقاتكم بالبطالة والكسالة واشتغلوا بما ينتفع به أنفسكم وأنفس غيركم كذلك قضي الأمر في هذا اللوح الذي لاحت من أفقه شمس الحكمة والتبيان أبغض الناس عند الله من يتعد ويطلب تمسكوا بجبل الأسباب متوكّلين على الله مسبب الأسباب " (كتاب اقدس - بند 33)

2 - " لا يحل السؤال ومن سئل حرم عليه العطاء قد كتب على الكل أن يكسب والذي عجز فلولو كلاء والأغنياء أن يعينوا له ما يكفيه اعمالوا حدود الله وسننه ثم احفظوها كما تحفظون أعينكم ولا تكونن من الخاسرين " (كتاب اقدس - بند 147)

3 - " بشارت دوازدهم قد وجب على كل واحد منكم الإشتغال بأمر من الأمور من الصنائع و الإقتراف وأمثالها وجعلنا اشتغالكم بها نفس العبادة لله الحق . تفكروا يا قوم في رحمة الله وألطافه ثم



TABLET

اشْكُرُوهُ فِي الْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ . لَا تَضَيِّعُوا أَوْقَاتَكُمْ بِالْبَطَالَةِ وَالْكَسَالَةِ وَاشْتَغِلُوا بِمَا تَنْتَفِعُ بِهِ أَنْفُسُكُمْ وَ
أَنْفُسُ غَيْرِكُمْ كَذَلِكَ قُضِيَ الْأَمْرُ فِي هَذَا اللُّوجِ الَّذِي لَاحَتْ مِنْ أُنْفُهِ شَمْسُ الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ . أَبْغَضُ
النَّاسَ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ يَقْعُدُو وَيَطْلُبُ تَمَسُّكُوا بِجَبَلِ الْأَسْبَابِ مُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ مُسَبِّبِ الْأَسْبَابِ هَرِ نَفْسِي
بِصَنْعَتِي وَيَابِكْسِي مَشْغُولٌ شُودُ وَعَمَلٌ نَمَائِدُ أَنْ عَمَلُ نَفْسِ عِبَادَتِ عِنْدَ اللَّهِ مُحْسُوبٌ إِنَّ هَذَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ
الْعَظِيمِ الْعَمِيمِ "

(لوح مبارک بشارات)

4 - " كل را بصنعت و اقرار امر نمودیم و او را از عبادت محسوب داشتیم " (ص ۷۳ گنجینه
حدود و احکام)

5 - " هر نفسی بصنعتی و یا بکسی مشغول شود آن عمل نفس عبادت عندالله محسوب " (ص ۱۹۵
حیات بهائی)

6 - " از انسان باید ثمری پدید آید . انسان بی ثمر بفرموده حضرت روح بمثابه شجر بی ثمر است و شجر بی
ثمر لایق نار "

(کلمات فردوسی - ص ۳۲ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی)

7 - " در این ظهور اعظم کل به کسب و اقرار و صنایع متوکلاً علی الله المهیمن القیوم مامورند و این
حکم در الواح موکداً نازل " (ص ۷۳ گنجینه حدود و احکام)

8 - " همچنین جمیع را امر فرمودیم که بشغلی از اشغال مشغول باشند . طوی از برای نفوسی که حمل
نمود و حمل نشد . بکسب و اقرار توجه نمایند فلسی از آن عندالله احب است از کنزی که بغیر حق
جمع شود و آماده گردد "

(ص ۷۴ گنجینه حدود و احکام)

9 - " ای بندگان من شما اشجار رضوان منید باید باثمار بدیعه منیعه ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما
منتفع شوند . لذا بر کل لازم که بصنائع و اکتساب مشغول گردند . اینست اسباب غنا یا اولی الالباب

وَإِنَّ الْأُمُورَ مُعَلَّقَةً بِأَسْبَابِهَا وَفَضْلُ اللَّهِ يُغْنِيكُمْ بِهَا وَاشْتِجَارُ بِي ثَمَارٍ لَائِقٌ نَارٌ بَوْدَةٌ وَخَوَاهِدٌ بَوْدٌ". (کلمات مکنونه فارسی - 80)

10 - " ای بنده من پست ترین ناس نفوسی هستند که بی ثمر در ارض ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از آن نفوس معطله مهمله ارجح عندالله مذکور". (کلمات مکنونه فارسی - 81)

11 - " ای بنده من بهترین ناس آناند که باقتراف تحصیل کنند و صرف خود و ذوی القربی نمایند
حُبَّاللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ "

(کلمات مکنونه فارسی - 82)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " هر نفسی باید کارو کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل
ثقیل شود "

(ص ۷۴ گنجینه حدود و احکام)

2 - " در امر بهاءالله برهر نفسی اشتغال بصنعت و کسبی فرض است مثلاً من حصیر بافی میدانم و شما
صنعت دیگر این عین عبادت است اگر با نهایت صداقت و امانت باشد و این سبب ترقی است "

(ص ۱۲۱ ج ۱ بدائع الآثار - این فرمایش مبارک بطور کامل در قسمت انقطاع درج شده است)

حضرت ولی امر الله:

حضرت ولی امرالله به یک شرکت تجاری چنین تعلیم میفرمایند:

1 - " از وظائف اعضاء آن مال بینی در امور و اعتدال در خرید و فروش و اجتناب از عجله و حرص و
مداخله بقدر مایه و پایه از قرائن پیشرفت آن چه اگر زیاده از قوه و سرمایه حرکتی شود کار غلبه بر
اعضای شرکت نماید بالمآل حال استغراق و پریشانی روی دهد لذا علامت پیشرفت در هر امری
اینست که اعضاء بر کار و وظیفه خویش مسلط باشند نه آنکه کار بر آنها تسلط یابد و تحمل آن مشکل
شود ". (ص ۶۸ اخلاق بهائی)

2 - " میان دو آیه از کتاب اقدس یکی دائر بر اینکه هر فرد بهائی مکلف است به ترویج امرالله پردازد و دیگری مشعر بر اینکه هر نفسی باید بکاری که بنفع جامعه باشد اشتغال ورزد، توافق و سازش وجود دارد. حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود میفرماید که الیوم عالیترین نوع انقطاع آنستکه بحرفه ای اشتغال ورزند و مخارج خود را تامین نمایند بنابراین یک بهائی خوب کسی است که زندگی خود را طوری مرتب نماید که هم احتیاجات مادی خود را مرتفع سازد و هم بخدمت امرالله موقّق شود."

(ص ۱۲ نمونه حیات بهائی - ترجمه مصوّب)

بیت العدل:

1 - " بر رجال و نساء واجب شده که به کسب و حرفه ای اشتغال ورزند . جمال اقدس ابهی می فرماید : و جعلنا اشتغالکم بها نفس العبادۃ لله الحق . اهمیت روحانی و عملی این حکم و مسئولیت متقابل فرد و جامعه برای اجرای این امر در توقیعی که حسب الامر حضرت ولیّ امرالله تحریر یافته چنین بیان گردیده است : راجع به دستور حضرت بهاءالله در باره اینکه احبّاء به شغلی از اشغال مشغول شوند، تعالیم مبارک در این مورد بسیار مؤکّد است ، به خصوص بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس در این باره صریحاً می رساند که نفوس مهمله که تمایل به کار ندارند در بساط نظم بدیع الهی محبوب و مقبول نیستند . بر اساس این حکم محکم ، حضرت بهاءالله می فرماید که تکدی نه تنها مذموم است بلکه باید به کلیّ از صفحه روزگار محو گردد . کسانی که زمام تشکیلات جامعه را در دست دارند موظّفند وسائلی فراهم کنند تا هر فردی از افراد فرصت یابد و به کسب حرفه و صنعتی نائل شود . و همچنین باید تدابیری اتخاذ کنند تا این استعداد و کاردانی ، هم بخاطر ترویج نفس حرفه و هم به خاطر امرار معاش آن فرد ، به کار رود . بر هر فردی از افراد ، ولو هر قدر دچار موانع و محدودیت باشد ، واجب است به کار و پیشه ای اشتغال ورزد ، چون کار ، علی الخصوص وقتی با نیت خدمت همراه باشد ، به موجب تعالیم حضرت بهاءالله نوعی عبادت است . کار نه تنها متضمّن فایده عمومی است ، بلکه بنفسه دارای قدر و منزلتی مخصوص است . زیرا موجب تقرّب ما به درگاه الهی است و سبب می گردد که مقصد الهی را برای حیات خود در این عالم بهتر ادراک نمائیم . بنا بر این واضح است ثروتی که از راه ارث به دست آید هیچ کس را از کار روزانه معاف نمی نماید . (ترجمه) حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارک می فرماید : اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره ای نتواند اغنیاء یا وکلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کند ... مقصد از وکلاء و کلاهی ملت است که اعضای بیت عدل باشد . (به یادداشت شماره ۱۶۲ در باره تکدی نیز مراجعه شود .) در مورد این حکم از بیت العدل اعظم سؤال شده است که آیا علاوه بر شوهر ، همسر او نیز ملزم است

که برای امرار معاش به کاری مشغول شود . در جواب چنین توضیح داده‌اند که به موجب امر حضرت بهاءالله احباء باید به کاری اشتغال ورزند که نفعش متوجه خود آن نفوس و سایرین گردد و اداره منزل و تأمین صفای خانواده از کارهای بسیار محترم و پر مسئولیتی است که اهمیت اساسی برای جامعه دارد . حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر شده در باره سنّ تقاعد از کار می فرمایند : این موضوعی است که بیت العدل اعظم باید در باره آن قراری دهند چون در این مورد هیچ دستور العملی در کتاب اقدس نازل نشده است . (ترجمه) " (کتاب تقدس - شرح 56)

2 - " حضرت عبدالهء در لوحی در توضیح این آیه چنین می فرمایند : تکدی حرام است و بر گدایان که تکدی را صفت خویش نموده‌اند انفاق نیز حرام است . مقصود این است که ریشه گدائی کنده شود و اما اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره نتواند اغنیاء یا وکلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کند ... مقصود از وکلاء ، وکلاء بیت است که اعضای بیت عدل باشد . افراد یا محافل روحانیّه نباید چنین پندارند که حرمت اعطاء به گدایان مانع از این است که فقرا و مساکین را اعانت نمایند و یا وسایل تحصیل حرفه‌ای را برایشان فراهم آورند که از آن راه بتوانند امرار معاش نمایند (به یادداشت شماره ۵۶ مراجعه شود) " (کتاب اقدس - شرح 162)